

## کشف گنجینه تاریخی دوره هخامنشی در شمال بهبهان

دکتر جهانگیر اشیدری

در هفته اول مهرماه جاری (دوشنبه ۱۳۶۱/۷/۵) رسانه‌های گروهی خبر از پیدایش يك گنجینه تاریخی دادند، که لازم آمد درباره آن بررسی و توضیح بیشتری معمول گردد. در آغاز عین خبر منتشره را نقل و سپس تا جایی که امکانات اجازه بدهد چگونگی را توضیح خواهد داد. اینک عین خبر:

«اهواز - يك گنجینه پرارزش متعلق به دوره هخامنشی در ۱۲ کیلومتری شمال بهبهان کشف شد. این گنجینه که ۲۵ قرن قدمت تاریخی دارد، در حاشیه رودخانه مارون و به هنگام عملیات خاکبرداری کشف شد. در رابطه با کشف این گنجینه گرانبها دو تن از کارشناسان اعزامی از دفتر آثار تاریخی وزارت فرهنگ و آموزش عالی در گفتگویی پیرامون نحوه کشف و ارزش‌های تاریخی و فرهنگی این گنجینه چنین توضیح دادند: این گنجینه به هنگام خاکبرداری برای احداث سد مارون در حوالی شهر تاریخی ارجان واقع در ۱۲ کیلومتری شمال بهبهان کشف شد و گنجینه مزبور درون سوراخی که در آن يك تابوت فلزی به طول ۱۲۰ و عرض ۶۰ و ارتفاع ۶۰ سانتی‌متر وجود دارد، تعبیه شده و قبر مذکور دارای پوششی از تخت سنگ‌های بزرگ می‌باشد.

وی افزود: کتیبه‌های طلای منقوش بر بدنه اشیاء درون تابوت نشان می‌دهد که این اشیاء متعلق به دوره هخامنشی است. وی یادآور شد: شهر ارجان تا قرن ۴ هجری شهری آباد با ابنیه مذهبی و تاریخی بوده که احتمالاً توسط فرقه اسماعیله که در قلعه‌ای مشرف بر شهر ارجان مسکن گزیده بودند ویران شده و تنها از این شهر تپه ماهورهای کوچکی باقیمانده است. کارشناس آثار تاریخی سپس گفت: اشیاء به دست آمده به دو قسمت تقسیم می‌شود یکی اشیاء داخل تابوت و دیگری اشیاء بیرون تابوت. اشیاء داخل تابوت شامل يك اسکلت انسان ملبوس که در پارچه پیچیده شده است و لباسی که بر تن این اسکلت است با ۹۸ دکمه طلا که هر يك از دکمه‌ها به صورت گل ۱۲ پو، حکاکی و تزئین یافته است. همچنین يك قبضه خنجر فرسوده با غلافی از جنس طلا، يك انگین عقیق با قاب مربوطه، يك حلقه طلا و بر روی جسد نیز يك شینی از جنس طلا که احتمالاً حلقه قدرت نامیده

می‌شده و ارزش فوق‌العاده‌ای دارد به‌دست آمده است. در خارج تابوت نیز يك شمعدان لژ جنس برنز با پایه مثلثی شکل و مجسمه‌های شیر و انسان. که این شمعدان، پنجاه سانتی متر ارتفاع دارد و در نهایت ظرافت ساخته شده دیده می‌شود. هم‌چنین تعدادی لیوان نقره‌ای به ارتفاع ۱۲ سانتی‌متر و يك کوزه نقره در کنار تابوت به‌دست آمده است. کارشناسان آثار تاریخی یادآور شدند: کشف این مجموعه گرانبها نشان می‌دهد که در ۲۵ قرن پیش اقوام گذشته به زندگی بعد از مرگ نیز اعتقاد داشته و جسد به دست آمده احتمالاً متعلق به والی شهر ارجان بوده است.

تابوت و ظروف منقوش طلای کشف شده نشان می‌دهد که این اشیاء مربوط به دوران قبل از اسلام می‌باشد چون طرز دفن مرده در اسلام به این ترتیب نیست و به احتمال زیاد این آثار مربوط به شهر قدیمی ارجان است که خرابه‌های آن امروز در محل شمال شهر بهبهان دیده می‌شود و این شهری بزرگ بین راه خوزستان به فارس بوده که سابقاً جاده معروفی این شهر را از طریق تنگ تکاب (تنگ ترکان) به شیراز مربوط می‌ساخته. البته دقیقاً معلوم نیست در اثر چه عواملی این شهر خراب شده و متروک مانده است.» بعد از اعلام خبر بالا خوشبختانه از سوی کارشناسان، اطلاعات دیگری توسط وزارت فرهنگ و آموزش عالی منتشر گردید که به اختصار چنین است:

#### به نقل از روزنامه کیهان دوشنبه ۱۲ مهر ۱۳۶۱ به اختصار

۱- گنجینه شامل يك تابوت با متعلقات نفیس و پر بهای داخل آن و حدود ۱۵ ظرف و اشیاء برنزی می‌شود که مجموعاً در يك آرامگاه مدفون قرار داشتند.

۲- اشیاء داخل تابوت - تابوت کشف شده دارای بدنه مفرقی است و طول آن ۱۳۲ سانتی‌متر، ارتفاع ۶۰ و عرض دهانه ۶۵ سانتی‌متر است - يك ضلع تابوت به شکل هلالی و ضلع دیگر زاویه‌ای شکل ساخته شده و در هر ضلع آن نیز دو دستگیره مارپیچ تعبیه شده است.

۳- تابوت دارای سرپوشی از جنس بدنه بوده ولی به خاطر نفوذ آب به داخل مقبره، سرپوش آن افتاده و جسد داخل آن کاملاً پوسیده شده است ولی با وجود این می‌شد تشخیص داد که جسد در حالت چمباتمه در داخل تابوت با لباس‌های فاخر و گرانبهاراز داده شده بود.

۴- قسمت‌هایی از لباس پوسیده به‌دست آمد که می‌تواند برای تحقیقات مفید باشد ولی دکمه‌های آن که از جنس طلاست کاملاً سالم است. و در سه اندازه بزرگ، متوسط و کوچک است. از این دکمه‌ها که تعدادشان به ۹۸ دکمه طلائی می‌رسد، دکمه‌های بزرگ و متوسط دارای ۱۲ پر هستند که اصطلاحاً آن‌را «روزت ۱۲ پر» می‌گویند.

۵- يك حلقه طلائی نیز در دست جسد بود که با خطوط میخی روی آن چیزهایی

نوشته شده (که بعداً ترجمه شد) روی دوایر این حلقه نقوش چهار حیوان بالدار «اسفنگس» نقش بسته که به صورت قرینه در طرفین حلقه قرار گرفته اند. و در اطراف آن درخت زندگی و دورادور آن تزئینات حصیری به چشم می خورد.

۶- از داخل آن همچنین خنجری با غلاف به دست آمده که قسمت بالای آن نواری از طلا به چشم می خورد. علاوه بر این دو حلقه طلائی با نگین های عقیق روی آن کار شده است و عیار طلاها بالاست.

۷- آثار خارج از تابوت شامل اشیاء نقره ای، برنزی و مفرغی است و تعداد آن به حدود ۱۵ ظرف و اشیاء نفیس تاریخی می رسد که شامل يك كوزه نقره ای - يك شمعدان یا آتشدان و ظروف متعدد برنزی و مفرغی وجود دارد و شمعدان یا آتشدان دارای يك پایه و يك بدنه است. پایه آن حدود ۵۰ سانتیمتر ارتفاع دارد که بر روی آن تزئینات برجسته ای نقش بسته است. قسمت انتهایی پایه مشتمل بر مجسمه كوچك شیر است که قسمت انتهایی شمعدان را روی دست گرفته اند. بدنه این شمعدان قاعده ای مثلثی دارد که بر رأس زوایای آن نقش سر گاو دیده می شود، حجم پایه نیز از سه مجسمه شیر با صورت نیمرخ تشکیل می شود و در وسط قاعده هر ضلع مثلث نیز نقش ۳ آدم قرار دارد.

۸- در بین اشیاء فلزی، يك ظرف برنزی نیز به دست آمده که کارشناس می گوید، این ظرف با تکنیک دو پوسته ای به صورت يك لیوان آبخوری ساخته شده که بر بدنه آن تزئینات برجسته ای نقش بسته است. میان دو پوسته برنزی را با قیر پر کرده اند ولی طوری که قسمت پوسته داخلی آن برای آبخوری سالم و راحت باشد.

۹- يك میله فلزی با سر مخلوط و مجوف نیز دیده شده که هنوز مورد استعمال آن برای کارشناسان روشن نشده است - ولی اشیائی که داخل مقبره گذاشته اند مسلماً از وسائل مورد نیاز مردم آندوره بوده که بر اساس اعتقاد قومی همراه با جسد دفن شده است. کارشناس می گوید گرچه هنوز در زمینه دوران تاریخی این اشیاء تحقیقی نشده ولی احتمالاً آثار به دست آمده به دوران ایلامی متأخر و اوایل هخامنشی تعلق دارد.

۱۰- مقبره دارای دیواره سنگ چین بوده، ولی به مرور زمان آب رودخانه به داخل آن راه یافته بود و زمانی که اشیاء را از آن خارج می کردند، تمامی آنها حتی تابوت نیز در درون آب غوطه ور بود و به همین دلیل نیز متأسفانه اکثر اشیاء زنگ زده، که باید این زنگ زدگی ها از روی آن زدوده شود.

در روزنامه سه شنبه ۱۳۶۱/۸/۱۱ توسط باستان شناسان این اطلاعات تکمیلی در اختیار مخبر روزنامه ها قرار گرفت.

## دوره تاریخی اشیاء گنجینه بهبهان مشخص شد.

۱- باستان‌شناسان با بررسی خصوصیات اشیاء داخل مقبره و تابوت کشف شده، پی بردند که زمان تدفین جسد داخل تابوت نیمه اول هزاره اول پیش از میلاد مسیح بوده است.

۲- حلقه طلائی که به هنگام کشف گنجینه در دست جسد قرار داشته و روی آن نوشته‌هایی از خطوط میخی به چشم می‌خورد. این حلقه در طرفین شیرهای بالداری را نشان می‌دهد که روبروی هم قرار دارند و اطراف آنرا نیز نقوش برجسته دربر گرفته است.

۳- بر روی این حلقه طلائی نفیس به خط میخی چنین نوشته شده «کیتین هوترن شک زیل لیب ایشنا» که به معنی «کیتین هوترن» پسر «شک زیل لیب» (لیل) ایشنا است. کارشناسان توضیح می‌دهند تحقیقات در مورد اشیاء به دست آمده همچنان ادامه دارد و با توجه به طیف هنری، تکنیکی و تاریخی اشیاء کشف شده، بحث‌های علمی و تحقیقی متعددی به وجود آمده است که قرار است محل نیز مورد بازدید یک هیئت باستان‌شناس قرار گیرد.

این بود عین اخباری که رسانه‌های گروهی درباره کشف این گنجینه اعلام نمودند. البته نه تنها ما بلکه اکثریت علاقه‌مندان مایلند که از توضیحات تکمیلی کارشناسان و مقامات مربوطه و ذی‌صلاحیت، درباره این کشف ارزنده و تاریخی مطلع گردند. به یاد می‌آورد یکی از دوستان علاقه‌مند که اینک چند سال است از عالم فانی بریده و به‌دنیای جاوید رخت بریسته، که خداوند بر او رحمت فرماید می‌گفت یکی از ایرانیان که در تاریخ و باستان‌شناسی تحصیل نموده و جبهه همت خود را بر این پایه گذاری نموده که بتواند شهرهای گمشده استان‌های جنوبی به‌ویژه فارس و خوزستان را کشف نماید که تعداد آنرا [رقمی که درست به‌خاطر ندارد] بیش از یکصد شهر می‌گفت.

چنان‌چه می‌دانید و تاریخ گواهی می‌دهد:

در طول زمان بر این کشور و مردم و فرهنگش گزندهای سهمناک چون یورش‌های اسکندر و تازیان و تاخت و تاز مغول و تاتار و افغان وارد آمده است ولی باید دانست که سفال‌پاره‌ای از زمان سرافرازی، گرانبهارتر از اندوخته زر و سیم روزگار خواری و سرافکنندگی است. (دوره افغانه)

خوشبختانه فرشته نگهبان خاک ایران «سپندارمذ» در کمال امانت یادگارهایی از نیاکان ما در تک خاک این دیار نگهداشته و رفته رفته به دست جویندگان خواهد سپرد و به سرمایه ملی ما خواهد افزود.

لوازمی که تا به امروز از زیر خاک پیدا شده دنیاهای فروریخته که از گذشته به

جای مانده به خوبی یادآور فرهنگی بزرگ و با ارزش است. که هر کدام از آن‌ها با آثار و اسناد مکتوب راهی به سوی کاخ تمدن باز می‌نمایند. و بنا به گفته یکی از ایران‌دوستان، ایران موزه بازیست که در پهنه دشت‌ها - در سینۀ کوه‌ها و غارها و تک‌خاک آن آثار ارزنده‌ای به جا مانده است که خود گویای این فرهنگ و تمدن است. که یکی از هزاران نمونه آن همان کشف جدید است که جز خبرهای بالا هنوز چیزی در این مورد نمی‌دانیم. اکنون با توجه به شرح بالا نتیجه بررسی‌های خود را درباره برخی نام‌ها ابراز تا کارشناسان چگونگی را آشکار سازند و ضمناً موضوع در نشریه به یادگار بماند تا پویندگان را که از آن بی‌اطلاع مانده‌اند متوجه سازد و آنان نیز در این قبیل موارد یار و یاور تشنگان وادی فرهنگ و تاریخ کهن باشند.

در گزارش مقدماتی، کارشناسان، نامی از بهبهان - شهر قدیمی ارجان - رودمارون و تنگ تکاب (تنگ ترکان) به میان آمده که بهتر است با هم مرور نمائیم با اندک توجهی به نقشه جغرافیا می‌بینم که بهبهان در مسیر راه شوسه اهواز به شیراز از طریق کازرون قرار گرفته است. که دارای این خصوصیات می‌باشد:

شهرستان بهبهان در جنوب استان خوزستان واقع و رودهای عمده‌اش مارون و خیرآباد است و شهر قدیم ارجان و شهر قدیم آسک نزدیک ارجان بوده است. بهبهان در ۳۴۹ کیلومتری جنوب شرقی اهواز است.

رود مارون - اگر گفته شود رودخانه مارون، که به سبب خاکبرداری برای سد بندی روی آن، انگیزه کشف این تابوت باستانی شد باید مانند رودکنگ از احترام خاصی برخوردار گردد راه اغراق نپیموده است، تا روان آن در گذشته‌ای که قرن‌ها در درون تابوتش آرام و آسوده بوده چه بگوید؟

درباره رود مارون که آن را طاب یا تاب یا آب کردستان هم می‌گویند چنین نوشته‌اند: طاب نهر عظیمی است به فارس، مخرج آن از جبال اصفهان نزدیک برج است تا این که در نهر مسن می‌ریزد و نهر مسن از حدود اصفهان خارج گشته در ناحیه سردن به نزدیکی قریه که مسن نام دارد ظاهر می‌شود و سپس تادرا ارجان در زیر پل رکان (مکان) که بین فارس و خوزستان جای دارد جاری شده پس از مشروب نمودن رستاق ریشهر به نزدیکی شهر تسترمی‌ریزد (به نقل از معجم البلدان).

در نزهة القلوب چنین آمده:

آب طاب از کوه‌های سمیرم لرستان بر می‌خیزد و همه وقتی گذار اسب ندهد... (یعنی اسب نمی‌تواند عبور نماید) این آب سرحد فارس و خوزستان است طولش چهل و هفت فرسنگ باشد.

در فارسنامه ناصری چنین نوشته‌اند:

مارون همان رودخانه تاب کوه کیلویه است، آبش شیرین، گویند از آب دجله بغداد گوارا تر است. آب چشمه مینی و آب اوسل، در رودخانه ناحیه یوسفی کوه کیلویه به هم پیوسته، در دامنه قلّه دز کوه به رودخانه کلات آمیخته رودخانه تاب شده از تنگ نکاب ناحیه حومه بهبهان می‌گذرد. در قدیم کنار شهر ارجان بندی (یعنی سد) بر این رودخانه بسته‌اند که دهات حومه بهبهان را آب می‌داده و اکنون آن بند شکسته است و یک جانب رودخانه دیمی مانده است. و دهات جانب دیگر را آب دهد. پس آب چشمه قیر و آب چشمه‌های تشان حومه بهبهان به این رودخانه آمیخته بعد از چندین فرسخ که از چم نظامی بگذرد در جایزانه رامهرمز چون به رودخانه ارمش آمیزد وارد رودخانه جایزانه شود.

بنا به گفته جغرافیای طبیعی کیهان رودتاب از کوه‌دل و کوه کیلویه سرچشمه گرفته دارای سه شعبه است که یکی را آب شیرین یا خیرآباد و دیگری را آب شور یا شولستان نامند و سومی که به اسامی مختلفه زهره و فهلیان موسوم است در مشرق زیدان به آن دو ملحق گردیده تشکیل رود طاب را می‌دهد که از هندیان گذشته به خلیج فارس می‌ریزد. آب رود تاب به واسطه سبکی و گوارائی معروف و سلاطین ایران فقط از این آب می‌آشامیده‌اند.

## و اما ارجان یا ارگان

ارجان یا ارگان، شهر قدیم فارس که بر رودتاب [آب کردستان یا مارون‌حالیه]، نزدیک شهر بهبهان واقع بوده. گویند قباد اول ساسانی آن را برای منزل دادن زندانیان جنگی «آمد» [همان دیار بکر] و میافارقین بنا کرد، و به «به‌آمد قباد» نامید. در هر حال، نام ارجان از شهر قدیمتری گرفته شده است. به قول جغرافی‌دانان اسلامی، ارجان تا پایان قرن هفتم مرکز ایالتی به همین نام بوده، که غربی‌ترین ایالات پنجگانه فارس بوده است و شهر ارجان را شهری وسیع و آباد و دارای بازارهای عالی گفته‌اند. شهر در قرن هفتم مورد حملات و تاراج‌های اسماعیلیان واقع شد و سرانجام به دست آنان افتاد و دیگر رونق نگرفت و مردم آن به شهر مجاورش بهبهان کوچیدند. خرابه‌های شهر ارجان به فاصله دو ساعت با اسب در شمال بهبهان شهر کنارکانالی که از رودمارون کشیده شده به وسعت تقریبی ۱۲۰۰ × ۸۰۰ متر نزدیک کوه بهبهان واقع است.

توضیحاتی که در بالا داده شد با استفاده از لغت نامه دهخدا و دائرةالمعارف فارسی مصاحب بود و چون ضمن شرح به اسامی مکان‌ها و رودها و غیره برمی‌خوریم بهتر آن دانست که به عنوان زیرنویس و به اختصار از آن‌ها یاد نماید زیرا جز در فرهنگ‌های بزرگ و یا فرهنگ جغرافیائی و یا لابلای نوشته‌ها کمتر می‌توان بدان‌ها دست یافت

اکنون به همان ترتیبی که در گفتار بدان اشاره گردیده از نظر خواهد گذشت و اضافه می‌نماید ضمن توضیح يك موضوع، باز به نکات دیگری برخورد می‌نماید که آن نیز نیاز به اشاره تکمیلی دارد.

### توضیحات:

توضیح تکمیلی دربارهٔ ارجان - اصطخری گوید: ارجان شهر است بزرگ و کثیرالخیر و در آن نخیل و زیتون بسیار است و دارای میوه‌های سردسیری و گرمسیری است و این ناحیه بتری و بحری و سهلی (شنی) و جبلی است. آب آن فراوان مسافتش تا دریا يك روزه راه است و بین ارجان و شیراز ه فرسنگ است و بین آن و سوق‌الاهواز نیز ه فرسنگ. ونخستین کسی که به روایت ایرانیان آن را بنا کرد قباد بن فیروز پدرانوشیروان عادل است. آن گاه که سلطنت را از برادر خود جاماسب باز گرفت و با رومیان غزو کرد و از دیاربکر، دوشهر «میافارقین» و «آمد» را فتح کرد و در تصرف رومیان بودوی بفرمود تا شهر مزبور را در سرحد فارس و اهواز بنا کردند و آن را (ایر قباد) نامید و این همانست که ارجان خوانده می‌شود و در آن شهر، قباد اسرای دو شهر مذکور را ساکن گردانید و آن را کوره کرد و روستاهائی از رامهرمز و کوره شاپور و کوره اردشیر خره و کوره اصفهان بدان ضمیمه کرد.

احمد بن احمد الاصبهانی گوید که در ارجان غاریست در کوهی که از آن آبی شیشه به عرق از سنگی بجوشد و از آن مومیای سفید نیکو گیرند و دری آهنین و نگهبانان دارد و آن در بسته است و به مهر سلطان مهور است مگر در سال يك روز که قاضی و شیوخ بلد گرد آیند و در حضرت ایشان آن در بکشایند و مردی ثقه عربان داخل شود و آنچه از مومیا جمع شده گرد کند و آن را در قاروره‌ای کند و وزن آن در حدود صد مثقال باشد پس بیرون آید و در را ببندند و مهر کنند و مجموع مومیا را نزد سلطان برند و خاصیت آن علاج هر گونه شکاف یا شکست استخوان است. به کسی که استخوانش شکسته باشد به مقدار عدسی از آن به نوشانند. با نوشیدن اول استخوان منجبر شود و در وقت صلاح پذیرد.

در تاج العروس مادهٔ ر. ج. ن آمده: که گویند قبر یکی از حواریین عیسی علیه السلام بدانجا است به نام ارجیان. [بررسی این موضوع حائز اهمیت است.] مؤلف نزهة القلوب گوید شهر هزرگی بوده آیش از رود طاب که از میان آن ولایت می‌گذرد. بر روی آن پلی است مکان نام آنست (رکان) در آن حدود قلاعی است چون قلعه طیفور و دزکلات و خرابی این شهر از سکنهٔ این قلاع بوده است. مؤلفین و جغرافی دانان فرنگ عقیده دارند که این شهر بندری در کنار دریای فارس دارد به نام **هرویان** که شاید همان بندر

دیلم امروزی باشد و به زعم بعضی ارجان، بهبهان است. [معنی چند لغت: سهلی یعنی زمین شن و نرم، کوره قسمتی از شهرستان = خره - خوره، قاروره یعنی شیشه که در آن چیزی جمع می کنند، ثقه کسی که طرف اعتماد باشد.]

تنگ تکاب - تنگ معمولاً به دره های بین دو کوه و بلندی گفته می شود و تنگ تکاب نیز بین راه ارجان و شیراز است.

خیرآباد - دهستان مسیر راه بهبهان به طرف دوکندان و شیراز.

آسک - شهری کوچک و قدیمی نزدیک ارجان و بین ارجان و رامهرمز و به گفته اصطخری در آن جا آتشفشان کوچکی وجود داشته. دوشاب آن جا معروف بوده. نزدیک آسک آثاری از دوره ساسانی، از جمله ویرانه های کاخی منسوب به قباد، پدر انوشیروان موجود است.

برج - در ایران جاهای زیادی به نام برج دیده می شود که از سه برج در حومه بهبهان و کازرون نام برده می شود - برج پشتکان - برج ملاولی خان و سومی برج سوخته. مسن - نام دیگر ولایت میشان در مصب شط دجله و ساحل خلیج فارس و هم چنین نام شهری باستانی که نام دیگرش کوخای میشان و استرآباد اردشیر بوده است (ایران در زمان ساسانیان).

سردن - ولایتی است بین فارس و خوزستان در آن جا معدن مس پیدا می شود که به شهرها و ولایت دیگر برده می شود (معجم البلدان).

پل مکان - به طوری که در توضیح ارجان دیده شد پلی بر رودخانه مارون یا طاب. ریشهر - شهر قدیم فارس، در انتهای جنوبی شبه جزیره بوشهر، که ویرانه های آن به فاصله ۱۲ کیلومتری جنوب بندر بوشهر باقیست و در ضمن کاوش های آن تابوت های سفالی و کتیبه های میخی دوره بابل به دست آمده است. در زمان اردشیر ساسانی از نو ساخته شد و نام ریو اردشیر گرفت که ریشهر مخفف آن است. در قرون دهم و یازدهم، پرتغالیان در آن جا پایگاه و قلعه نظامی داشتند. در ۱۸۶۴، شرکت تلگراف هند و اروپا یک پایگاه تلگرافی در آن جا تأسیس کرد.

تستر - نام عربی شهر شوشتر.

مینی - نام چشمه ایست - بندر و لنگرگاه کشتی را هم گویند.

اوسل - آن هم نام چشمه ایست که آب مینی در رودخانه ناحیه یوسفی می ریزد. یوسفی - یکی از شعب طایفه جاکی از ایلات کوه کیلویه - سابقاً عدّه آن ها بالغ بر ۸۰۰ خانواده بود بعدها کم کم به اطراف پراکنده شدند و فعلاً بیش از یکصد خانوار از آن ها باقی نیست که در نواحی رون و دریاچه المال در قراء المال، اوسل قلات و کوف زندگی می کنند (از جغرافیای کیهان).



دزکوه - کوهی است در ده فرسخ بیشتر میانه شمال و مغرب قصبه دهدشت، کوه کیلویه در فارس به اندازه نیم سنگ آسیاب گردان آب از چشمه شیرین و گوارا دارد و جنگلی از درخت بلوط بر فراز این قله است.

کلات - قلعه‌ای بوده نزدیکی ارجان که خرابی ارجان را از ساکنین قلعه مزبور و ساکنین قلعه طیفور می‌دانند (اسماعیلیه).

قیر - شهری کوچک است [از فارس] و از آب‌زکان که از کوه دیه‌خسرو بر می‌خیزد مشروب می‌شود (نزهة القلوب) قیر قصبه مرکز بخش قیر و کارزین شهرستان فیروزآباد است.

تشان - ده حومه بخش بهبهان ۲۸ کیلومتری شمال غربی بهبهان. چمنظامی - پس آب چشمه قیر و آب چشمه‌های تشان به رودخانه تاب پیوسته و بعد از چندین فرسخ از چمنظامی می‌گذرد - چمن در اصطلاح به خمیدگی‌های کوه و دره هم می‌گویند.

جایزان - یکی از دهستان‌های بخش رامهرمز که آبش از رودخانه مارون تأمین می‌گردد معادن نفت دارد و استخراج می‌شود - نام رودخانه هم هست که از بهم پیوستن رودخانه تاب و ارمش تشکیل می‌شود. دو جایزان داریم یکی کهنه و یکی نو.

ارمش - رودخانه‌ای در بلوک رامهرمز، آبش شیرین و گواراست، آب چشمه تنگ - سروک و چشمه امام‌زاده بابا احمد به هم پیوسته رودخانه ارمش گردد، محلی هم بین بهبهان و رامهرمز است.

کوه دل - کوه دل و کوه کیلویه از کوه‌هایی هستند که سرچشمه اصلی مارون یا تاب است.

شولستان - نام بلوکی است از توابع شاپورکازرون در فارس، این ناحیه در دوره ساسانیان داخل در منطقه شاپور خوره بود و قصبه آن را شاپور اول بنانهاد. اینک آن را بلوک ممسنی خوانند.

رود زهره - رودخانه فهلیان و نورآباد ممسنی و رودخانه سراب سیاه ممسنی و چال‌موره کوه کیلویه در قریه پشت‌کوه، ناحیه باوی که کیلویه به هم پیوسته این رود را تشکیل می‌دهند. آبش شیرین مایل به شوری است در زمستان و بهار عبور کاروان از آن جز به تدبیر ممکن نشود (فارستامه ناصری). طاب از که کیلویه سرچشمه می‌گیرد شامل سه شعبه است یکی آب شیرین (خیرآباد)، دیگری آب شور (شولستان)، سومی زهره (فهلیان)، که هر سه پس از الحاق، به اسم طاب، به خلیج فارس وارد می‌شوند (جغرافیای غرب ایران).

فهلیان - فهلیان و ممسنی یکی از بخش‌های چهارگانه شهرستان کازرون است.

آمد - آمد یا دیار بکر که اهالی آنجا مسبب ایجاد شهر ارجان شده‌اند و امروز این نویسنده را برای پیدا کردن اسامی غیر مأنوس و گمشده به دست انداز انداخته‌اند ناحیه‌ایست در قسمت شمالی الجزیره [الجزیره - یا جزیره مخفف آقور، نامی که جغرافی- دانان عرب به قسمت شمالی اراضی بین دجله و فرات داده بودند. به گفته ابوالفداء از جانب شمال از ملطیه و آمد آغاز می‌شد و از طرف جنوب خط واصل بین انبار و تکریت آنرا از عراق جدا می‌کرد. با الجزایر اشتباه نگردد.] مشتمل بر سرزمین‌های طرفین رود دجله از سرچشمه آن تا منطقه‌ای که جهت جریانش از امتداد غربی شرقی به امتداد جنوبی شرقی منحرف می‌شود نامش به مناسبت قبیله بکرا بن وائل است که در قرن اول ه. به این ناحیه مهاجرت کردند. شهرهای عمده‌اش: آمد یا دیار بکر - میافارقین - حصن کیفا و ارزن بود. شهر دیار بکر یا آمد کرسی ولایت دیار بکر و بر ساحل چپ رود دجله است و از مراکز تجارتی و صنعتی و همانست که اسرایش در ارجان جاداده شدند.

زیدان - یازیدون - دهستان از شهرستان بهبهان آب فهلیان و آب شولستان از شمال به آن وارد می‌شوند. آب خیرآباد نیز بعداً در آبادی عسکری بدان ملحق می‌گردد که به طرف غرب و شمال غربی جریان دارد زیدون در سال ۱۲۴۵ ه. گرفتار طاعون شد. هندیان - قریه‌ایست از اراضی فارس که معدن گوگرد دارد. این محل نزدیک بندر معشور است.

میافارقین - شهری است در دیار بکر گویند از بناهای انوشیروان است آن قسمتی که از سنگ ساخته شده، و آن قسمتی که از آجر ساخته شده از بناهای پرویز است. ولی قول قابل اعتماد نیست (حدود العالم).

ذکر این قسمت از لحاظ فاضل آب جالب است:

«ناصر خسرو گوید مسجد آدینه دارد که صفت آن ذکر شود به تطویل انجامد... بالجملة متوضای آن را چهل حجره در پیش است و دو جوی آب بزرگ می‌گردد در همه خانه‌هایی ظاهر استعمال را و دیگری تحت الارض پنهان که ثقل می‌برد و چاه‌ها پاك می‌گردد...» از آنجا تا موصل ۸ روزه راه است. جزء دوم کلمه معرب پارگین باشد که همان فاضل آب است.

موصل به آب عراق و مفتاح خراسان می‌باشد و از این مکان به آذربایجان می‌روند. معروف است که گویند شهرهای با عظمت جهان سه شهر است:

۱- نیشابور: برای این که درب مشرق است.

۲- دمشق: برای این که درب مغرب است.

۳- موصل: این شهر دارای نام‌های کهن و در طرف مشرق در مقابل آن شهر نینوا واقع شده.